

# آثار باستانی

## قبر علی بن سهل اصفهانی

متوفی سال ۳۰۷ هجری

بقلم آقای محمد صدر هاشمی

ترجمه حال علی بن سهل - نام و نشان کامل صاحب ترجمه بنا بصیط حافظ

ابونعیم بدین قسم است: ابوالحسن علی بن سهل بن محمد بن ازهر اصفهانی ۱۰ وی از مردم اصفهان و از بزرگان و اعلام صوفیه بشمار میرفته و در زمان خود همچنین پس از مرگش شهرت بسزائی داشته است چنانکه تا این زمان نیز مردم اصفهان و سلسله صوفیه بقبر او بنظر احترام و اعزاز مینگرند و پیوسته از مدفون او تبرک میجویند و از آن حاجات خویش را میطلبند.

علی بن سهل از عرفای بزرگ و از شیوخ صوفیه بوده و در تصوف سلسله ارشاد او بحسن بصری میرسد بدین قرار که وی خرقه تصوف را از ابوالقاسم جنید و ابوالقاسم جنید از سری سقطی و سری سقطی از داود طائی و داود از حسن بصری و حسن از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب گرفته است.

بعد از علی بن سهل عده‌ای از بزرگان صوفیه از قبیل شیخ اخی فرج زنجانی و شیخ شهاب الدین سهروردی و دیگران سلسله خود را در تصوف بعلی بن سهل رسانده‌اند چنانکه در اوائل قرن هشتم (۷۲۷ هجری) که ابن بطوطه سیاح معروف باصفهان سفر کرده و چند روزی در خانقاه علی بن سهل منزل داشته از شیخ خانقاه قطب الدین حسین بن شیخ ولی الله شمس الدین معروف برجاء دیدن نموده و بدست او خرقه تصوف پوشیده. ابن بطوطه سلسله شیخ شمس الدین را بدین طریق یاد کرده

است: قطب الدین از والد خود شمس الدین و وی از تاج الدین محمود و محمود از پدرش شهاب الدین علی رجاء و علی از امام شهاب الدین ابوحفص عمر سهروردی و سهروردی از شیخ کبیر ضیاء الدین ابونجیب سهروردی و این سهروردی از عمش وحیدالدین عمر و او از والد خود محمد بن عبدالله معروف بعمویه و عمویه از شیخ اخی فرج زنجانى و اخى فرج از شیخ احمد دینوری و دینوری از ممشاد و ممشاد از علی بن سهل صوفی خرقة پوشیده‌اند.

صاحب روضات الجنات نقل از محدث نیشابوری مینویسد: علی بن سهل پیوسته نسبت بفقرا و مستمندان مهربان و رؤف بود و از مال خود بآنان انفاق میکردتا اینکه روزی جمعی از فقرا بدو وارد شدند و چون در آن وقت علی بن سهل را از مال دنیائی چیزی در دست نبود بخانهٔ یکی از دوستانش رفت و از وی بعنوان کمک و احسان درخواست پولی نمود. صاحب خانه مبلغی داد و از قلت آن عذر - خواهی کرد و اظهار داشت که چون مشغول ساختن خانه هستم و برای خرج آن احتیاج بیول دارم مرا از پرداخت بیش از این معذور بدار. علی بن سهل پرسید خرج بنای خانه چقدر است گفت شاید بیانصد درهم بالغ گردد. علی بن سهل گفت این مبلغ را بمن ده تا بفقرا احسان کنم و در عوض خانه‌ای در بهشت بتو خواهم داد و برای این کار نزد تو سوند و نوشته خواهم سپرد. گفت چون تاکنون از تو دروغ نشنیده ام اگر ضمانت خانهٔ بهشت را بنمائی پول را بتو خواهم داد. علی بن سهل گفت ضمانت میکنم و نامه‌ای مبنی بر ضمانت خود نوشت و پانصد درهم را دریافت کرد. مرد کاغذ را گرفت و پول را تسلیم نمود و وصیت کرد پس از مرگ کاغذ را در کفش بگذارند. قضا را صاحب خانه در همان سال مرد و باز ماندگانش بوصیت وی عمل کرده کاغذ را در کفش نهادند. روزی علی بن سهل برای ادای نماز صبح بمسجد رفت و در محراب کاغذی را که داده بود یافت در حالیکه بر پشت آن بخط سبز نوشته بود ما تو را از ضمانت خارج ساختیم و خانه را در بهشت بصاحبش تسلیم کردیم.

این نامه مدت زمانی نزد علی بن سهل بود و مردم اصفهان بآن تبرک میجستند و بیماران خود را بآن شفا میدادند و این نامه در بین کتب شیخ بود تا وقتی که صندوق کتب او سرقت شد و در میان آنها این نامه را نیز دزدیدند.

صاحب روضات الجنات پس از نقل این کرامت غریب و دور از عادت بشدت حمله کرده از اصفهانیان که باین قسم اباطیل میگردند بدگویی میکند.

خلاصه اینکه صاحب روضات الجنات وجود چنین کرامتی را از ساده لوحی مردم اصفهان و زود باوری آنها و نیز از خزعبلات و مهملات صوفیه دانسته و معتقد است که جعل چنین کرامتی برای فریب و اغفال مریدان بوده است و در خاتمه مینویسد کسیکه بخط غیبی برای او نامه نوشته میشود چگونه نتوانسته است مخزن کتب خود را از شر سارقین حفظ و نگاهداری نماید و آن که بیماران را از این امراض سخت نجات میبخشیده است چر آنفس شریف خود را نتوانسته است از دستبرد سارقین حفظ کند، این قبیل سخنان و کرامات بیشتر شبیه باضغاث احلام و از روی خواب و خیال است و شاید علی بن سهل چنین مطلبی را در خواب دیده و آنرا بصورت امر محققی پنداشته است.

چه این حکایت راست باشد چه دروغ قدر مسلم این است که علی بن سهل از بزرگان صوفیه بوده و مردم در حق وی اعتقادی عظیم داشته اند و شاهد این مدعی اینکه پس از چند قرن که از فوت این صوفی گذشته شیخ بهائی صاحب کشکول در جلد اول این کتاب (ص ۱۰۷) کرامتی از او نقل میکند که آن نیز حکایت از بزرگواری و عظمت مقام وی مینماید و آن چنین است که مینویسد: شبی هنگام توقف در اصفهان در خواب دیدم که زیارت قبر امام هشتم علی بن موسی الرضا مشرف شده ام. صبح خواب را فراموش کرده بودم اتفاقاً در آن ایام یکی از دوستان باصفهان آمد در بقمه علی بن سهل منزل گرفت، بقصد زیارت این دوست بخانه علی بن سهل رفتم. وقتی

قبه و ضریح شینخ را دیدم فوری بیاد خوابی که دیده بودم افتادم و متوجه شدم که قبه و ضریح شینخ مانند قبه و ضریح حضرت رضاست و از آن روز اعتقادم نسبت بشینخ زیادت گشت. از اینجا معلوم میشود قبه و خانقاه علی بن سهل تا اوائل قرن یازدهم هجری آباد و معمور بوده است و قرنها مطاف و زیارتگاه اکابر و بزرگان بوده و از بلاد دور بقصد توقف در آن می آمده اند. برای اطلاع از اهمیت آن بی مناسبت نیست شرحی را که ابن بطوطه در باره این خانقاه نوشته نقل نمائیم :

ابن بطوطه در سال ۷۲۷ هجری که باصفهان وارد شده در همین خانقاه مسکن نموده و شرح نسبت جالبی در باره آن نوشته است. این سیاح مینویسد :

چون باصفهان رسیدم بزایوه ای که منسوب بعلی بن سهل از شاگردان جنید است منزل کردم و آن زاویه با شکوهی است که مردم بلاد بقصد زیارت آن می آیند و طلب تبرک میکنند، در آن زاویه بایشان طعام میدهند و حمام عجیبی مفروش بسنگ مرمر دارد که دیوارهای آن از کاشی است و وقف رایگان است و هیچکس برای دخول بآنجا چیزی نمیردازد.

قبر علی بن سهل - در انتهای محله طوقچی در آن طرف حصار قدیم اصفهان که اکنون قطعه دیواری از آن باقیست بفاصله کمی در پشت خندق شهر جائیکه در زمان سلجوقیان محله فلفل چی نامیده میشده و از محلات پرجمعیت اصفهان بوده قبر علی بن سهل واقع شده است. در نزدیکیهای قبر همین علی بن سهل است که هنوز چند هزاره از دوره سلجوقیان سر با سمان کشیده و سال ۵۲۶ بر پایه یکی از آنها خوانده میشود و نیز بفاصله کمی از قبر علی بن سهل قبر صاحب بن عباد وزیر دانشمند و معروف آل بویه قرار گرفته است. از قبر و مدفن صاحب بن عباد در مقاله ای جدا گانه گفتگو خواهیم کرد.

از قبه و ضریح و خانقاه علی بن سهل بدبختانه با آن همه موقوفات فعلاً اثری باقی نیست و سالهای سال است که این بنای عظیم محو و نابود گردیده و آنچه اکنون از آن موجود می باشد عبارت از یک اطاق محقر گلی و خشتی است که جدیداً بر روی قبر علی بن سهل ساخته شده و این اطاق در وسط مزراع گندم واقع شده است از حمام

و سنگهای مرمر و کاشیهای نفیس آن کوچکترین اثری باقی نیست و دست حوادث و شاید هم عناد و دشمنی سلاطین صفوی نسبت بخانقاهای صوفیه همه این بناها را خراب و ویران کرده است، باغلب احتمال سلاطین صفوی مقبره علی بن سهل و خانقاه ضمیمه آنرا هم مانند صد ها خانقاه دیگر که در اصفهان و سایر شهرها بوده خراب کرده از بین برده اند آنچه اکنون از قبر علی بن سهل باقیست صورت قبریست که هیچ گونه علامت و نوشته بر روی آن مشهود نیست.

برگردیم بذکر بقیه شرح احوال علی بن سهل ابو نعیم در کتاب اخبار اصفهان (صفحه ۱۴ جلد دوم چاپ از ایدن) علی بن سهل را از اصحاب جد خود شیخ محمد بن یوسف بنا می شمارد (برای اطلاع از این شیخ محمد رجوع شود بمقاله نگارنده در شماره چهارم سال چهارم از مجله یادگار). ابو نعیم مینویسد وی بدرجتی رسید که با جنید و اقران او باب مکاتبه را باز کرد و نیز از یونس بن حبيب سماع حدیث نمود. شیخ بهائی بنقل از یکی از تواریخ مورد اعتماد مینویسد وقتی جنید بعلی بن سهل نوشت که از استادش شیخ محمد بن یوسف بنا پرسد که: ما الغالب علی امره. علی بن سهل این سؤال را از استادش پرسش نمود و استاد در جواب گفت: والله غالب علی امره. و نیز ابو نعیم بروایت خود از علی بن سهل نقل میکند که وی از انس از پیغمبر اکرم نقل مینماید که پیغمبر فرمود: برادر خود چه ظالم باشد چه مظلوم کمک نمای. انس میگوید پرسیدم یا رسول الله خداوند مظلوم یاری میکند اما چگونه من ظالم را یاری نمایم. حضرت فرمود: کمک بظالم این است که او را از ظلم کردن باز داری. وفات علی بن سهل بگفته حافظ ابو نعیم بسال ۳۰۷ هجری اتفاق افتاده است. درخاتمه یاد آور میگردد که اخیراً در اصفهان شنیده میشود که جمعی از پیروان طریقت بمنظور تجدید بنای مقبره علی بن سهل اعاناتی جمع آوری کرده و در صدند بهمین زودیها بنای مجللی روی قبر این صوفی بزرگ بسازند و برای همین منظور بناست مرشدی بنام رحمت علیشاه که در نجف اقامت دارد و جمعی از پیروانش در اصفهان مقیم اند باین شهر سفری بنماید. امید است با انجام گرفتن این عمل از محو و زوال آناریکی از بزرگان اصفهان جلوگیری بعمل آید.